## مباحث مرتبط با سرمایه‌های انسانی سازمان(36)

## مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (Corporate Social Responsibility)

## قسمت (2)

... هنگامی که در جامعه‌ای اخلاق، وجدان جمعی و دیدگاه‌های فردگرایانه افراطی گسترش یابد؛ آن جامعه مسلما در مسیر فروپاشی اجتماعی گام بر می‌دارد زیرا که زمینه‌های بی‌اعتمادی، عدم مشارکت اجتماعی و ناهنجاری‌های اخلاقی ایجاد می گردد و هنگامی که صاحب منصبان نیز تهی از مسئولیت اجتماعی گردند مسلما آینده‌ای برای آن جامعه متصور نخواهیم شد. اما آیا مسئولیت اجتماعی یک شبه ایجاد می‌گردد؟ مسلما این امر امکان‌پذیر نخواهد بود و پروسه طولانی را باید طی کرد تا در تقویت و افزایش ابعاد آن موفقیت حاصل گردد. مسئولیت اجتماعی دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و فرهنگی می‌باشد که در مورد هر کدام می‌توان موارد ذیل را بیان نمود:

بعد اجتماعیِ مسئولیت اجتماعی بر اساس پایگاه‌های اجتماعی می‌باشد، در واقع هر فردی در جامعه مبنی بر نقش‌های اجتماعی که ایفا می‌نماید، پایگاه اجتماعی را دارا می‌باشد که بنابر آن وارد شبکه تعاملات و ارتباطات روزمره می‌گردد. چه باید کرد؟ در هر نقشی که حضور داریم چه کارگر، کارمند، معلم، صاحب منصب، رفتگر، پزشک و ... به ارزش‌های حاکم بر شغلمان و تاثیری که بر جامعه می‌گذارد متعهد باشیم و ایفاگر بی‌بدیل و مسئولانه نقش اجتماعی‌مان باشیم.

بعد اقتصادی که در واقع شالوده امور تولید، توزیع و مصرف در جامعه می‌باشد، ارتباط مستقیم با هدر رفت منابع و سرمایه های یک سرزمین دارد. چه باید کرد؟ کنشگران اجتماعی هنگامی که با مسئولیت اجتماعی در سه عرصه مذکور حضور می یابند در خصوص تک‌تک اقدامات خود و دیگران باید همدلانه مشارکت و از هدر رفت‌ها جلوگیری نمایند. آنان می‌دانند که بسیاری از این منابع تجدیدپذیر نیستند و باید سهم آیندگان را در نظر گرفت.

بعد زیست محیطی یکی از ابعاد بسیار مهمی می‌باشد که بی‌توجهی به آن و پایین بودن احساس مسئولیت اجتماعی به نابودی سرمایه‌های آیندگان منجر می‌گردد. چه باید کرد؟ مسلما در بهره‌برداری از آن‌ها باید کم آسیب‌ترین روش‌ها لحاظ گردند و در حفظ محیط‌زیست و میراث‌های طبیعی و سپردن آن به نسل‌های آینده دقت لازم را مبذول داشت. بشر امروزین که متاسفانه با تولید انبوه زباله و آلوده نمودن دریاها، رودخانه‌ها و تخریب جنگل‌ها و مراتع، قطع درختان و از بین بردن حیوانات و ... آسیب‌رسان‌ترین موجود روی زمین می‌باشد، خود به تبع ایجاد این بحران‌ها دچار انوع بیماری‌ها و مشکلات گردیده است و در صورت ادامه این روش مسلما با نابودی این کره سبز روبرو خواهیم شد. هر کدام از ما می‌توانیم از این رویه با تولید زباله کمتر، استفاده بهتر از موارد بازیافتی و یا جدا نمودن صحیح آن‌ها، رها نکردن آلودگی‌ها در آب‌ها، احترام به زیست‌بوم حیوانات و گونه‌های گیاهی و ... می‌توانیم تاثیرگذار باشیم.

بعد سیاسی که ارتباط مستقیم با قدرت دارد، از جمله موارد بسیار حساس می‌باشد. قدرت می‌تواند منشا ارزشمندترین اقدامات باشد و می تواند باعث بزرگترین آسیب ها به بدنه مردمی باشد و مسلما انباشت قدرت در اکثر موارد فساد را به

دنبال دارد و به همین دلیل است که دموکراتیک‌ترین کشورها با سازوکارهای هوشمندانه سعی در توزیع آن داشته‌اند. چه باید کرد؟ بعد سیاسی از جمله  مواردی می‌باشد که ارتباط مستقیم با مسئولیت اجتماعی دارد و نیازمند اخلاق حرفه‌ای، احساس مسئولیت سیاسی، آگاهی های همه جانبه، ارجح دانستن منافع مردم به منافع شخصی می‌باشد.

بعد فرهنگی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است چون در شرایطی که این بعد که بر مبنای باورها، ارزش‌ها و مشترکات مردم شکل می‌گیرد؛ در شرایط نابهنجاری قرار گرفته باشد عملا دیگر ابعاد مسئولیت اجتماعی نیز دچار کاهش می‌گردند و با زوال روابط و تعاملات اجتماعی روبرو خواهیم بود. چه باید کرد؟ تقویت ارزش‌ها و باورهای جمعی از طریق عمل کردن به آن‌ها و نیز آموزش به احاد مردم و انتشار آن‌ها و روشن نمودن نتایج احترام به آن و همگانی و همه فهم نمودن آن‌ها از مهمترین اقداماتی می باشد که می‌توان به آن‌ها عمل نمود.

می‌توان از همین لحظه خود و اطرافیانمان را تشویق به این تعهدها نماییم:

متعهد به رعایت حقوق آحاد مختلف مردم و احترام به امر شایسته‌سالاری در تمامی امور و عدم سوء استفاده از اهرم‌های قدرت

متعهد به رعایت حقوق شهروندان و احترام به آنان با حضور دلسوزانه در چرخه تولید، توزیع و مصرف و رعایت تمامی ابعاد بهداشتی، فرهنگی، محیط زیستی و ...

متعهد به استفاده بهینه از منابع و در نظر گرفتن سهم آیندگان

متعهد با اِعمال رفتار انسانی، مسوولانه و همدلانه با همه بدور از رنگ، نژاد، ثروت، مقام و عقاید

متعهد به گسترش دامنه دانایی، عدم محدود نمودن گستره اطلاعات مورد نیاز شهروندان و شفاف سازی امور

پس می‌توان گفت هنگامی که در یک جامعه شهروندان، کنشگرانی مسئولیت‌پذیر باشند و تمامی ابعاد مسئولیت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، تمام سطوح شناختی، عملکردی و عاطفی افراد جامعه در بالاترین حد خود می‌باشد و دیگر در آن جامعه به واسطه عدم توجه برخی افراد به محیط زیست، احقاق حق فرودستان، عدالت اجتماعی و اعتلای جامعه؛ دیگر شهروندان بی‌تفاوت نخواهند بود و تاثیر منفی را نخواهند پذیرفت و عوامل ساختاری نیز مانع و سد راه عملکرد مثبت آن‌ها نخواهد بود و در واقع کنترل درونی و همدلی حرف اول را طرح خواهد کرد.

اما آیا این کنترل درونی و همدلی در سازمان‌ها به همان میزان مهم است؟ اصلا مسئولیت اجتماعی سازمانی به چه معنی می‌باشد و تا چه حد در ایجاد تحول در سازمان‌ها مهم می‌باشد؟ ادامه دارد ...

**دفتر مطالعات معاونت توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی قزوین**